

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

سید موسی عثمان هستی

۱۵.۱۲.۰۹



این عکس در موزه تاریخی کوریا گرفته شده

## چرا من در نوشته های خود مؤخذ نمی دهم؟

این سؤال بارها در ذهن دوست و دشمن من خلق شده امروز مجبور شدم تا جواب بگویم و در بند آن هم نیستم که کس می پذیرد یا نمی پذیرد و خودم اعتراف می کنم که من مؤرخ نیستم ولی در طول زندگی در قسمت تاریخ

کنجکاو بودم در حالیکه من که به قوانین نوشتن تاریخ دست رسی ندارم نوشتن حوادث تاریخی توسط من معنی این را ندارد که من هم مؤرخ هستم و یا حق ندارم که موضوعات تاریخی را نوشته کنم

هرکس که چیزی راجع به تاریخ وطن خود می داند که تاریخ نویسان همان عصر از ترس مستبدین و یا به اساس اطلاعات غلط چیزی نوشته کرده و یا به اشتباه رفته و حقیقت تا امروز پنهان مانده ما اگر شنیدیم یادیده بودیم و یا در جای خواندیم با امانت داری بنویسم و یا با امانت داری از زبان همان شخص نقل قول کنیم و اگر دیدیم چشم دید خود را بگوئیم و اگر در جایی خواندیم از کتاب و نویسنده موخذ بدیهم و اگر کسی جرایان را قسم دیگری یا گنگ نوشته و ما آنرا تشریح کردیم و فهم و اطلاع شخصی ما در آن دخیل است در حالیکه پیش از ما کس دیگر نوشته چون سبک و اقع نویسی با شخص قبلی فرق می کند اگر یک موضوع هم باشد لازم نمی بینم که کلک ششم را مؤخذ بدیم چراکه من سر یادداشت های تاریخی خود ایمان دارم

و اگر کسی روزی انتقاد می کرد که احمد این موضوع را نوشته قبل از شما اگر خوانده باشم می گویم بلی من خوانده ام به این دلیل مؤخذ ندادم و اگر نخوانده باشم می گویم من نخوانده ام شما ببیند که نوشته من از نگاه جمله بندی به آن شاید سر نخورد و شاید در متن هم کم و زیاد صورت گرفته باشد

و یا مؤرخ که یک قرن بعد از من و از تو جریانات تاریخی را جمع آوری کرده مانند حدیث بخاری که بعد از پنجصد سال هجری جمع آوری شده در حالیکه بسیار نقل قول ها اشتباه و خود ساز باشد در وقت و زمان نوشته نشده روزی اشتباهات آن برملا می شود نباید امام بخاری را محکوم به وارونه نویسی کنیم مؤرخ را محکوم به دروغ و وارونه نویسی کنیم .

مثال میر مسجدی خان دومرتبه زخمی می شود یکمرتبه در خانه خود در ولایت کاپیسا یک مرتبه دیگر در خانه شوهر خواهر خود علیخان غازی تتمره مگر به خاطر یکه انگلیسها ندانند که او کشته شده در یک کیلو متری خانه علی خان در منطقه ای به نام خواجه سبز پوش بین تتمره و اوپیان دفن می شود که مردمان آن زمان تازمان طفلیت ما زنده بودند و ما از خانواده های خود شنیده ایم که میر مسجدی خان در خواجه سبز پوش دفن شده است.

صاحب زاده که نه سید نه میر و نه خواجه و نه مجددی هستند نامی است که در هند مروج بوده و انگلیسها در هند برتانوی به منتفدین دنباله روان خود این القاب را می دادند و در افغانستان هم این القاب از طرف شاهان به اشخاص و افراد داده شده مثلاً صاحب زاده تگاب میا گلجان به قوم صافی و پشتون بود به خانواده میا گلجان و صاحب زاده های ده قاضی و دولانه امیر دوست محمد خان القاب صاحب زاده را داد.

امروز آقای دستگیر خان پنجشیری به قول آقای کهزاد قبر میر مسجدی دزد را که در زمان امیر عبدالرحمن خان اعدام شد و در قریه ده قاضی دفن شده قبر میر مسجدی کوهستانی قهرمان ملی میخواند و در نوشته خود به دفاع از امیر کلکانی به تاریخ روان شاد کهزاد استناد می کند در حالیکه شاید کهزاد صاحب زمانی که در حفريات بگرام با فرانسوی ها کار می کرد از زبان کدام بی سواد شنیده این قبر میر مسجدی است در حالیکه میر مسجدی دزد کمتر از میر مسجدی خان شهرت نداشته کسی بوده که امیر عبدالرحمن خان را پشک لنگ می گفت و قتیکه کهزاد می شنود که این قبر میر مسجدی است فکر می کند که قبر میر مسجدی معروف است.

حالانکه من به حیث فرزند همان خانواده می دانم که این تشخیص درست نمی باشد . دستگیر خان پنجشیری هم به خاطر خراسان بازی خود صاحب زاده های ده قاضی را نواسه میر مسجدی خان قلمداد می کند من واقعیت را نوشته می کنم که میر مسجدی از پروان نبوده از کوهستان و از آن طرف دریا بوده از طرف مادر از میر های بایان

واز طرف پدر کوهستانی اصلی می باشد دو خواهر خود را یکی به میر عثمان پروانی و خواهر دیگر خود را به علیخان تتمدره ای داده بود در قلعه علیخان زخمی شده و در خواجه سبز پوش دفن گردیده است.

من چه ضرورت دارم که مؤخذ کس دیگر را بدهم من تا صد در صد سر حرفهای خود ایمان نداشته باشم یک کلمه نوشته نمی کنم . این نکته را در زمان خودش خدمت علامه کهزاد نیز عرض نمودم که ایشان و عده به تصحیح متن هنگام تجدید چاپ داد.

در حالیکه علامه کهزاد، غبار مبارز و حبیبی پُر کار می گفتند که در کتاب های تاریخ ما اشتباهات وجود دارد در چاپ های بعدی آن را اصلاح می کنیم و شاید موقع اصلاح کردن به آنها دست نداد

امروز اگر ما بخواهیم اشتباهات آنها را تذکر دهیم، از آن جایی که کتاب های این سه مرد بزرگ پیش نادانها حیثیت کتاب های مقدس را گرفته حق زبان دراز کردن در یک مجلس را نداریم تا چه رسد که اشتباهات آنها را از نگاه تاریخی و املاء و انشاء کسی نوشته کند. اگر کسی جرأت کند و چیزی بنویسد از هر جا پاچه قلم و کاغذ و پیرا می گیرند بدون اینکه استدلال و منطق بکار ببرند

دوستانی که می گویند چرا من مؤخذ نمی دهم به دلایل فوق که من چیز تازه نوشته می کنم و به این نسلی که خودش می داند و نمی خواهد که بیاموزد نوشتن سود ندارد و انتقاد شان را جواب گفتن به عقیده من در ست نیست بگذار که بدور محور نادانی خود بچرخند و مانند دستگیر خان پنجشیری از اینجا و آنجا چرند جمع کنند تا به زعم خودشان مقاله شود و مقاله ها کتاب و در سوانح خود بنویسند مؤلف ۴۲۰ جلد کتاب.

من به این کار ندارم که دیگران چه می گویند، خودم آنچه را شاهد بوده و قسمتی از تجربه شخصی خودم به حساب می آید می نویسم و برای اولاد فردای وطن می سپارم. نه می خواهم که نوشته مرا کسی کتاب مقدس بسازد و نه هم از کسی دیگری را به آن درجه قبول دارم. شاید در این باره باز هم در آینده چیزی بنویسم.